

The effectiveness of pre-marriage training program based on Larson model on restrictive beliefs about choosing a spouse in students

Soghra Ostovar*
Shiraz Farhangian University
Changiz Rahimi &
Mahboobeh Fooladchang
Shiraz University

Abstract: The mate selection process is an important and difficult issue for many in different societies. The selection of the appropriate person to marry is one of the most stressful decisions in life. People ambitiously try to find the appropriate person to marry and understand if they are having the right choice or not before marriage. Unfortunately, the basics of the people who are trying to choose the appropriate individual come from unrealistic beliefs or expectations. The purpose of the present study was to examine the effectiveness of a pre-marriage training program based on the Larson model on restrictive beliefs about choosing a spouse in students. For this purpose, male and female students in Shiraz University were invited by summoning to participate in the pre-marriage training workshop. From the registered students, 60 subjects were selected randomly and placed in experimental and control groups. Then a pre-test was taken of both groups. The experimental group took part in a pre-marriage course. Both groups then took the post-test. The instrument used in this study was a scale to measure the spouse-selection attitudes. The data obtained were analyzed using SPSS by utilizing, MANCOVA and covariance analysis. The results showed that the experimental and control groups performed significantly differently in the subscales of love-belief, pivotal experience, idealism, easy-taking, optimism, but not in the subscale opposite seeking. According to the research findings and the importance of rational and efficient beliefs in family strength, it seems that couples should learn more about them. The based on the results of this research, it is suggested that results of such research available to different centers and organizations so that they can plan well based on the results of the research.

Keywords: Pre-marriage training, restrictive beliefs, choosing a spouse

* نویسنده مسوول: شیراز، بلوار مدرس، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید باهنر شیراز، گروه روانشناسی. پست الکترونیکی: S_Stovar@Yahoo.Com

اثربخشی برنامه آموزش پیش از ازدواج بر اساس مدل لارسون بر باورهای محدودکننده نسبت به انتخاب همسر در دانشجویان

صغری استوار

دانشگاه فرهنگیان شیراز

چنگیز رحیمی و

محبوبه فولادچنگ

دانشگاه شیراز

چکیده: امروزه برای اکثر افراد در جوامع مختلف فرایند انتخاب همسر مسئله‌ای مهم و مشکل است. انتخاب فرد مناسب برای ازدواج یکی از پراسترس‌ترین تصمیمات فرد در طول زندگی می‌باشد. افراد برای یافتن فرد مناسب ازدواج به شدت تلاش و سعی می‌کنند پیش از ازدواج دریابند آیا انتخاب صحیحی کرده‌اند؟ اما متأسفانه زیربنای اساسی تلاش افراد در انتخاب فرد مناسب از باورها یا انتظارات غیر واقعی نشأت می‌گیرد. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر اساس مدل لارسون بر باورهای محدودکننده نسبت به انتخاب همسر در دانشجویان بود. این تحقیق از نوع آزمایشی و طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. بدین منظور از بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شیراز از طریق فراخوان جهت شرکت در کارگاه آموزش پیش از ازدواج دعوت به عمل آمد. از بین افراد ثبت‌نام کننده ۶۰ نفر جهت نمونه، انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. پس از انتخاب تصادفی گروه‌های آزمایش و کنترل، ابتدا بر روی هر دو گروه پیش‌آزمون اجرا گردید. سپس مداخله آزمایشی بر روی گروه آزمایش اعمال گردید و پس از اتمام آن، از هر دو گروه پس‌آزمون به عمل آمد. ابزار مورد استفاده در این پژوهش عبارت بود از مقیاس نگرش به نحوه انتخاب همسر (ARMS). یافته‌ها نشان داد که بین آزمودنی‌های گروه آزمایش و گروه کنترل از نظر زیر مقیاس‌های عشق باوری، تجربه محوری، ایده آل گرایی، آسان بینی و خوش باوری تفاوت معنی داری وجود دارد ولی در زیر مقیاس متضادجویی تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد. با توجه به یافته‌های پژوهش و اهمیت باورهای منطقی و کارآمد در استحکام خانواده، آموزش‌هایی در زمینه نحوه انتخاب همسر ضروری به نظر می‌رسد. بر اساس نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود که نتایج این گونه تحقیقات در اختیار مراکز و سازمان‌های مختلف مربوطه قرار گیرد تا آنها بتوانند بر اساس نتایج پژوهش، برنامه‌ریزی مناسبی داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: آموزش پیش از ازدواج، باورهای محدودکننده، انتخاب همسر

مقدمه

جوانان مهمترین قشر و سازنده‌ترین نیروی انسانی هر جامعه می‌باشند که همواره مورد توجه جامعه‌شناسان و سیاست‌گذاران جامعه بوده‌اند (هاوکینس، ۲۰۱۸). در بین جوانان، ازدواج مهمترین و اساسی‌ترین انتخاب زندگی است (کیان و لیستر، ۲۰۱۸). انتخاب همسر موضوعی پیچیده و تصمیمی تأثیرگذار بر زندگی آینده فرد است. اگر افراد با ناآگاهی، بدون داشتن معیارهای مناسب و درک درست از زندگی آینده و برحسب اتفاق دست به انتخاب همسر بزنند و از قبل برنامه‌ریزی، ارزیابی صحیح و دوراندیشی نسبت به ازدواج وجود نداشته باشد، ممکن است در آینده و در زندگی زناشویی مشکلات و تعارض‌هایی بین زوجین به وجود آید (سیمن، ینت و بونیس، ۲۰۱۶).

آمدگی ازدواج^۱ و احساسات و نگرش‌های^۲ افراد در مورد ازدواج، متغیری کلیدی در تصمیم‌گیری فرد برای ازدواج و پیش‌بین مهم رضایت زناشویی^۳ پس از آن است (هولمن، لارسون و هارمر، ۱۹۹۴، والر و مک‌لاناها، ۲۰۰۵، به نقل از خجسته‌مهر، دانیالی و شیرالی‌نیا، ۱۳۹۴) لارسون (۱۹۸۸) آمدگی ازدواج را به عنوان ارزیابی ذهنی فرد از آمدگی شخصی برای پذیرش مسوولیت‌ها و چالش‌های زندگی مشترک در نظر گرفت (به نقل از خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۹۴). امروزه برای اکثر افراد در جوامع مختلف فرایند انتخاب همسر مسأله‌ای مهم و مشکل است. معمولاً باور افراد در مورد یافتن فرد مورد نظر پیش از ازدواج و بعد از آن متفاوت است. یکی از علت‌های بی‌شمار شیوع بالای طلاق و نارضایتی در زندگی زناشویی در جامعه امروز، وجود باورهای غیر منطقی در مورد ازدواج است.

باورها سازه‌های ذهنی منشعب شده از پیامدهای عقاید از پیش موجود یا تبیینی برای تجربیات هستند. همگرایی داستان شخصی‌مان با تأثیرات فرهنگی معاصرمان، به شکل-گیری روابط عاشقانه منجر می‌شود که خود بر فرایند انتخاب و نگهداری همسر تأثیر می‌گذارد. زمانی که دو نفر همدیگر را ملاقات می‌کنند و یک رابطه را شکل می‌دهند، مجموعه منحصر به فردی از باورها می‌توانند عامل موفقیت یا شکست

یا شکست رابطه شوند (نیلسون، ۲۰۱۳). این باورها می‌توانند تسهیل‌کننده یا محدودکننده باشند. باورهای محدودکننده^۴ در مورد انتخاب همسر به صورت باورهای شخصی تعریف می‌شوند که بنا بر تعریف لارسون (۲۰۰۰) شامل چهار دسته باور هستند: (۱) محدود کردن انتخاب‌های فرد براساس این که با چه کسی و چه زمانی ازدواج کند، (۲) تقویت کردن باور به تلاش بیش از حد یا بسیار کم برای یافتن همسر مناسب، (۳) عدم توجه عمیق در مورد ضعف‌ها و قدرت‌های درون فردی و عوامل شخصیتی مؤثر بر موفقیت زندگی زناشویی و (۴) باور به دائمی بودن مشکلات مربوط به انتخاب همسر و عدم وجود راه‌حل‌های مناسب و سازنده. برای مثال، بعضی افراد بر این باورند که تنها عشق می‌تواند از پس تمام مشکلات برآید و ازدواج موفق را رقم زند (لارسون، ۱۹۹۲). هرچند بسیاری از پژوهشگران به نقد این مسئله پرداخته و تنها عاشق بودن را ناکافی دانسته‌اند (لارسون، ۲۰۰۰). لارسون (۱۹۹۲) بر اساس پژوهش‌های پیشین، ۹ گروه باور محدودکننده را که افراد در مورد انتخاب همسر دارند، معرفی می‌کند که عبارتند از: (۱) تنها یکی و فقط یکی^۵. فردی که این باور را دارد، معتقد است «تنها یک فرد مناسب در دنیا برای ازدواج با من وجود دارد». (۲) شریک کامل^۶. این باور بدین معنا است که «تا زمانی که من فرد کاملاً مناسب را برای ازدواج پیدا نکنم، نباید ازدواج کنم». (۳) خود کامل^۷. فرد با این باور معتقد است «تا زمانی که از خود به عنوان همسر آینده کاملاً مطمئن نباشم، نباید ازدواج کنم». (۴) رابطه کامل^۸. این باور بیان می‌دارد «پیش از ازدواج باید ثابت کنیم رابطه موجود بینمان کاملاً کارآمد است». (لارسون و هالمن، ۱۹۹۴) (۵) بیشتر سعی کن^۹. این باور بیان می‌دارد «من با هر کس که انتخاب کنم زندگی شادی خواهم داشت، اگر به اندازه کافی سعی و تلاش نمایم». (۶) عشق کافی است^{۱۰}. فردی که این باور را دارد ممکن است بگوید «عاشق یک نفر شدن دلیل کافی برای ازدواج با او خواهد بود». اما این باور کافی بودن عشق، متفاوت است. اگر عشق تنها

4. constraining belief
5. the one and only
6. the perfect partner
7. the perfect self
8. the perfect relationship
9. try harder
10. love is enough

1. marriage readiness
2. attitudes
3. marital satisfaction

(۲۰۱۲) نشان داده است که خانواده عامل مهمی در شکل-گیری نگرش فرزندان است، طوری که ۶۰ درصد واریانس نگرش فرزندان در مورد ازدواج از طریق نگرش‌های والدین قابل تبیین است. کرمی‌بلداجی، ثابت‌زاده، زارعی و صادقی‌فرد (۱۳۹۳). در طی پژوهشی به بررسی اثربخشی مشاوره گروهی عقلانی عاطفی رفتاری بر کاهش نگرش‌های ناکارآمد انتخاب همسر دختران و پسران شهر بندرعباس پرداختند. نتایج تحلیل کوریانس نشان داد که میانگین نمره‌های نگرش‌های ناکارآمد در زمینه انتخاب همسر در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل در مرحله پس‌آزمون، کاهش معناداری پیدا کرده همچنین، نتایج تحلیل کوریانس مشخص ساخت که میانگین نمره‌های زیر مقیاس‌های باورهای غیرمنطقی در زمینه نگرش‌های همسرگزینی گروه آزمایش نسبت به گروه گواه در مرحله پس‌آزمون کاهش معناداری پیدا کرده است.

با توجه به تحقیقات انجام شده و مبانی نظری موجود، پژوهش حاضر در صدد بررسی تأثیر برنامه آموزش پیش از ازدواج بر مبنای نظریه لارسون (۱۹۹۲) بر تغییر نگرش جوانان نسبت به نحوه انتخاب همسر می‌باشد. از این‌رو، فرضیه این پژوهش به شرح زیر بررسی شد: برنامه آموزش پیش از ازدواج موجب کاهش باورهای الزام‌آور و محدودکننده انتخاب همسر می‌شود.

روش

جامعه، نمونه و روش اجرای پژوهش

این تحقیق آزمایشی و از نوع طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۱۳۹۶ بودند که از طریق فراخوان برای شرکت در کارگاه آموزشی مشاوره پیش از ازدواج ثبت نام شده بودند. تعداد نمونه ۶۰ نفر بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده و در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. در این پژوهش از میان دانشجویان دختر و پسر که در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ در دانشگاه مذکور مشغول تحصیل بودند و پس از فراخوان جهت شرکت در کارگاه مذکور ثبت نام نمودند، بر اساس روش هم‌تاسازی ۶۰ نفر از آزمودنی‌ها انتخاب و به تصادف در دو گروه آزمایشی و کنترل قرار

ملاک لازم در نظر گرفته شود، ملاک‌های مهم دیگر دیده نخواهد شد (۷) زندگی با هم^۱. این باور بیان می‌دارد «اگر با همسر آینده‌ام پیش از ازدواج زندگی کنم، می‌توانیم زندگی بهتری در آینده داشته باشیم». (۸) زوج متضاد^۲. فردی که این باور را دارد معتقد است «فردی مناسب ازدواج با من است که ویژگی‌های شخصیتی متضادی با من داشته باشد». (۹) انتخاب باید آسان باشد^۳. این باور بیان می‌دارد انتخاب همسر باید امری آسان در نظر گرفته شود و در واقع این مسئله براساس شانس و تصادف رخ می‌دهد. بنابراین فرد ممکن است معتقد شود که انتخاب همسر مسئله‌ای است که برای او اتفاق می‌افتد نه این که او شخصاً کاری انجام دهد. کاب، لارسون و واتسون (۲۰۰۳) براساس این ۹ باور، مقیاس نگرش‌های مربوط به عشق و انتخاب همسر^۴ (ARMSS) را ساختند. بر اساس این مقیاس پژوهش‌های متنوعی در حوزه انتخاب همسر صورت گرفته به طور مثال، پریست (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه انحلال روابط و باورهای خرافی در مورد انتخاب همسر و عشق پرداخته است، در این پژوهش نشان داده شده که هر چه فرد روابط بیشتری را تجربه کرده باشد، به احتمال کمتری هنگام انتخاب فرد جدید از باورهای غیر منطقی استفاده خواهد کرد. میرز (۲۰۰۸) در پژوهشی تحت عنوان «نگرش دانشجویان سیاه پوست نسبت به انتخاب همسر»، از مقیاس لارسون استفاده نمود. یافته‌های میرز (۲۰۰۸) نشان داد میانگین نمرات افراد سیاه پوست از نمونه کاب، لارسون و واتسون (۲۰۰۳) کمتر بود که این امر به وابسته به فرهنگ بودن این باورها اشاره دارد.

همچنین در ایران پژوهش‌هایی در مورد مهارت‌های ارتباطی زوجین انجام شده، اما توجه کمتری به باورهای مربوط به انتخاب همسر وجود داشته است. در صورتی که به نظر می‌رسد بهتر است اگر در باورها مشکلی وجود دارد، همان قبل از ازدواج و در مرحله انتخاب همسر شناسایی شده و از اطلاعات بدست آمده در طراحی برنامه‌های آموزشی در سطح کلان و مشاوره قبل از ازدواج استفاده شود. در سامانه تربیتی خانواده، والدین نقش اساسی و سرنوشت‌سازی در زندگی بعدی فرزندان‌شان دارند. نتایج پژوهش هایجنک

1. cohabitation
2. opposites complement
3. choosing should be easy
4. Attitudes about Romance and Mate Selection Scale

انتظار قرار گرفته و به گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه کارگاهی آموزش پیش از ازدواج ارائه گردید. بعد از پایان جلسات، پس از آزمون در دو گروه اجرا شد. محتوای جلسات آموزش پیش از ازدواج (لارسون، ۱۹۹۲) به طور خلاصه در جدول ۱ ارائه شده است.

گرفتند میانگین وانحراف استاندارد سن شرکت کنندگان به ترتیب ۲۱/۳۳ و ۲۴/۲۰ به دست آمد. (لازم به ذکر است که آزمودنی‌ها بر حسب نمره پرسشنامه، سن، جنس و تحصیلات هم‌تاسازی شدند). سپس مقیاس نگرش به نحوه انتخاب همسر در دو گروه اجرا گردید و گروه کنترل در لیست

جدول ۱

ساختار جلسات آموزش پیش از ازدواج بر مبنای الگوی لارسون

جلسه	محتوا
جلسه اول	عنوان: اهمیت و ضرورت آموزش پیش از ازدواج. - دلایل درست و نادرست ازدواج.
جلسه دوم	عنوان: آشنایی با باورها و عقاید غیر منطقی در باره انتخاب همسر. - تشریح ۹ باور غیر منطقی.
جلسه سوم	عنوان: تعریف و شرح ویژگی‌های افکار غیرمنطقی. شرح ویژگی‌های افراد دارای افکار غیرمنطقی
جلسه چهارم	عنوان: معرفی افکار غیرمنطقی در زمینه همسرگزینی
جلسه پنجم:	عنوان: رایه راهکارهای مقابله با نگرش‌های ناکارآمد همسرگزینی و جایگزینی افکار منطقی
جلسه ششم	عنوان: آشنایی با ملاک‌های همسرگزینی - تعریف ملاک‌های همسرگزینی (محتوایی - فرآیندی
جلسه هفتم	عنوان: آموزش حل مسأله تعریف مسأله، نکات مهم در شرایط بروز مشکل
جلسه هشتم	عنوان: آموزش مهارت‌های ارتباطی (آموزش توجه به خود، چاشنی‌های ارتباطی، موانع ارتباطی)
جلسه نهم	عنوان: آموزش مهارت‌های ارتباطی (آموزش مهارت‌های حرف زدن و گوش دادن موثر)
جلسه دهم	عنوان: پایان جلسات و اجرای مقیاس نگرش به نحوه انتخاب همسر و ملاک‌های همسرگزینی

ابزار سنجش

مقیاس نگرش‌های مربوط به عشق و انتخاب همسر

(ARMSS). مقیاس نگرش‌های مربوط به عشق و انتخاب همسر، ابتدا توسط کاب، لارسون و واتسون (۲۰۰۳) تحت عنوان مقیاس نگرش نسبت به روابط عاشقانه و انتخاب همسر و به منظور ارزیابی باورهای الزام‌آور و محدودکننده تدوین گردید. مقیاس مذکور حاوی ۳۲ سؤال و ۷ عامل یا زیر مقیاس است. مبنای نظری مقیاس مذکور عقاید محدودکننده لارسون (۱۹۹۲) در مورد انتخاب همسر است. لارسون در سال ۱۹۹۲ نقش عقاید را مورد بازبینی و بررسی قرار داد و ۹ باور محدود کننده که معمولاً افراد در پی فرآیند انتخاب همسر خود بکار می‌برند، را تعریف و تعیین کرد. سپس کاب و همکاران (۲۰۰۳) زیر مقیاس‌های این پرسشنامه را بر اساس این ۹ عقیده طراحی کردند. این مقیاس در ایران توسط فرحبخش و مصری‌پور در سال ۱۳۸۴ ترجمه و هنجاریابی گردید. البته تغییراتی در تعداد سوالات و کیفیت آن‌ها داده شد. بدین ترتیب که ۳۲ سؤال به ۷۵ سؤال و ۷

زیر مقیاس به ۹ زیر مقیاس تبدیل گردید (به نقل از فرامرزی، اسمعیلی و فرحبخش، ۱۳۸۵). این مقیاس بر اساس مقیاس لیکرت و در چهار طیف (کاملاً مخالف، مخالف، موافق و کاملاً موافق) درجه‌بندی شده است. به ترتیب از نمره ۱ الی ۴ نمره‌گذاری می‌شوند. سپهری و حسن‌زاده توکلی (۱۳۹۰) روایی و پایایی نسخه فارسی این مقیاس را مورد بررسی قرار دادند و بر اساس تحلیل عاملی به استخراج باورها پرداختند که عبارت بودند از: عشق‌باوری، تجربه‌محوری، ایده‌آل‌نگری، متضاد جویی، آسان‌بینی و خوش‌باوری. پایایی مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. پایایی این مقیاس بر اساس روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و روش بازآزمایی ۰/۷۲ و روایی از طریق روش روایی واگرا در سطح ۰/۹۹ توسط فرحبخش و مصری‌پور ۱۳۸۴ گزارش شده است (به نقل از فرامرزی و همکاران، ۱۳۸۵). پایایی مقیاس نحوه نگرش به انتخاب همسر در پژوهش حاضر نیز از طریق آلفای کرونباخ محاسبه گردید. ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس برابر با ۰/۹۰ و زیر مقیاس‌های آن به ترتیب،

(عشق‌باوری، تجربه‌محوری، ایده‌آل‌گرایی، متضادجویی، آسان‌بینی و خوش‌باوری) مقیاس نحوه نگرش به انتخاب همسر را در دو گروه آزمایش و کنترل نشان می‌دهد. همانگونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف استاندارد زیر مقیاس‌های نگرش نسبت به انتخاب همسر به استثنای زیر مقیاس متضادجویی، در مرحله پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون برای گروه آزمایش متفاوت است و کاهش یافته و این در حالی است که در گروه کنترل چنین تغییراتی صورت نگرفته است.

عشق‌باوری برابر با ۰/۷۴، تجربه‌محوری، ۰/۸۶، ایده‌آل‌نگری ۰/۵۱، متضادجویی، ۰/۶۱، آسان‌بینی ۰/۸۱ و خوش‌باوری ۰/۶۶ بود.

یافته‌ها

اطلاعات حاصل از اجرای پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. برای پاسخ به فرضیه پژوهش از روش‌های آماری تحلیل کوواریانس چندمتغیری (MANCOVA) و تحلیل کوواریانس تک-متغیری (ANCOVA) استفاده گردید. جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد پیش‌آزمون و پس‌آزمون زیر مقیاس‌های

جدول ۲

میانگین و انحراف استاندارد نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون مقیاس نحوه نگرش به انتخاب همسر در دو گروه آزمایش و کنترل

گروه کنترل (N = ۳۰)		گروه آزمایش (N = ۳۰)		آزمون	زیرمقیاس
SD	M	SD	M		
۳/۸۵	۱۷/۷۰	۳/۸۴	۱۷/۶۰	پیش‌آزمون	عشق‌باوری
۴/۳۸	۱۷/۶۰	۳/۱۷	۱۵/۱۷	پس‌آزمون	
۳/۱۸	۱۲/۷۰	۳/۳۰	۱۲/۵۲	پیش‌آزمون	تجربه‌محوری
۳/۸۲	۱۲/۴۳	۲/۶۴	۱۰/۳۹	پس‌آزمون	
۲/۵۲	۱۶/۵۳	۲/۱۶	۱۶/۳۰	پیش‌آزمون	ایده‌آل‌گرایی
۲/۳۷	۱۶/۶۰	۲/۵۱	۱۳/۳۹	پس‌آزمون	
۱/۸۰	۹/۸۳	۱/۳۷	۹/۸۲	پیش‌آزمون	متضادجویی
۱/۵۶	۹/۸۰	۱/۵۷	۹/۸۶	پس‌آزمون	
۱/۵۴	۵/۷۶	۱/۴۹	۵/۶۵	پیش‌آزمون	آسان‌بینی
۲/۰۹	۶/۱۳	۱/۲۷	۴/۴۷	پس‌آزمون	
۱/۳۷	۶/۳۶	۱/۳۳	۶/۶۰	پیش‌آزمون	خوش‌باوری
۱/۶۰	۷/۱۰	۱/۱۲	۵/۵۶	پس‌آزمون	

استفاده گردید که نتایج این آزمون‌ها معنادار نبود ($p > 0.05$) بنابراین، با توجه به معنادار نبودن مقدار f مشاهده شده در مرحله پس‌آزمون ($p > 0.05$) شرط همگنی ماتریاس‌های واریانس کوواریانس برقرار است. نتایج بدست آمده در جداول زیر ارائه شده است. همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، سطوح معنی‌داری همه آزمون‌ها ($p < 0.001$) بیانگر این است که گروه‌های آزمایش و کنترل حداقل در یکی از متغیرهای وابسته با هم تفاوت معنی‌دار دارند.

برای آزمون فرضیه‌ها از تحلیل کوواریانس چند متغیری استفاده گردید. قبل از اجرای تحلیل، ابتدا مفروضه‌های لازم جهت انجام تحلیل کوواریانس چندمتغیری بررسی شد. نتایج آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف^۱ نشان داد که پیش‌فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها، در مورد متغیرهای پژوهش در پیش‌آزمون و پس‌آزمون برقرار است ($p > 0.01$). همچنین نظر به اینکه یکی از پیش‌فرض‌ها برای تحلیل کوواریانس چند متغیری، برابری ماتریس‌های کوواریانس می‌باشد، جهت آزمون برابری ماتریس‌های کوواریانس از آزمون باکس

1. Kolmogorov-Smirnov

جدول ۳

نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیری (MANCOVA)

آزمون	ارزش	F	درجه آزادی	درجه آزادی خطا	p
اثر پیلایی	۰/۴۵۸	۵/۶۲	۶	۴۰	۰/۰۰۱
لامبدای ویلکز	۰/۵۴۲	۵/۶۲	۶	۴۰	۰/۰۰۱
اثر هاتلینگ	۰/۸۴۴	۵/۶۲	۶	۴۰	۰/۰۰۱
بزرگترین ریشه روی	۰/۸۴۴	۵/۶۲	۶	۴۰	۰/۰۰۱

تجربه محوری، ($F = ۴/۹۳$ و $p < ۰/۰۳$)، زیر مقیاس ایده-آل گرایی، ($F = ۲۱/۳۷$ و $p < ۰/۰۰۱$)، زیر مقیاس آسان بینی، ($F = ۱۲/۴۶$ و $p < ۰/۰۰۱$) و زیر مقیاس خوش-باوری، ($F = ۱۵/۳۴$ و $p < ۰/۰۰۱$) تفاوت معنی داری وجود دارد ولی در زیر مقیاس متضادجویی تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشده است.

برای تشخیص این موضوع که از لحاظ کدام متغیر بین دو گروه تفاوت وجود دارد، تحلیل کواریانس تک متغیری انجام گرفت که نتایج حاصل در جدول ۴ ارائه شده است. همانطور که در جدول ۴ مشاهده می شود، بین آزمودنی-های گروه آزمایش که آموزش پیش از ازدواج دیده اند و گروه کنترل که هیچگونه آموزشی دریافت نکرده اند از نظر زیر مقیاس عشق باوری، ($F = ۳/۸۰$ و $p < ۰/۰۵$)، زیر مقیاس

جدول ۴

نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری (ANCOVA)

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	p
عشق باوری	۶۲/۶۱	۱	۶۲/۶۱	۳/۸۰	۰/۰۵
تجربه محوری	۵۹/۱۰	۱	۵۹/۱۰	۴/۹۳	۰/۰۳
ایده آل گرایی	۱۲۱/۸۰	۱	۱۲۱/۸۰	۲۱/۳۷	۰/۰۰۱
متضادجویی	۰/۰۰۱	۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۷
آسان بینی	۴۰/۲۰	۱	۴۰/۲۰	۱۲/۴۶	۰/۰۱
خوش باوری	۲۹/۴۸	۱	۲۹/۴۸	۱۵/۳۴	۰/۰۰۱

باورهای الزام آور و محدودکننده انتخاب همسر می شود « نشان داد که آموزش پیش از ازدواج بر تغییر نگرشها و باورهای الزام آور و محدودکننده انتخاب همسر آزمودنی های گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل تأثیر دارد. به بیان دیگر، آموزش پیش از ازدواج باورهای غیر منطقی و محدودکننده در مورد انتخاب همسر را تغییر داد و سطح تمام این باورها کاهش یافت. نتایج این پژوهش با پژوهش های پریست (۲۰۰۹)، میرز (۲۰۰۸)، لارسون و واتسون (۲۰۰۳)، فرامرزی و همکاران (۱۳۸۵)، کرمی لادجی و همکاران (۱۳۹۳) و رفیعی، اعتمادی، بهرامی، و جزایری،

بحث

ازدواج به عنوان مهم ترین و عالی ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی همواره مورد توجه بوده است. ازدواج رابطه ای ارادی و آگاهانه است و در حال حاضر به عنوان انتخاب آگاهانه همسر معنا می شود (شیدان فر و همکاران به نقل از رستمی و قزل سفلو، ۱۳۹۷). هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر برنامه آموزش پیش از ازدواج بر اساس مدل لارسون بر باورهای محدودکننده نسبت به انتخاب همسر در دانشجویان دانشگاه شیراز بود. نتایج حاصل از فرضیه تحقیق « برنامه آموزش پیش از ازدواج موجب کاهش

نگرش‌ها و باورهای مبهم خود می‌دهد. در واقع، تصحیح نگرش نسبت به انتخاب همسر، یکی از مهارت‌هایی است که در بیشتر برنامه‌های پیش از ازدواج برای ایجاد یک ساختار زناشویی سالم، گنجانده شده است. نتایج تحقیقات نشان داده‌اند که این قبیل برنامه‌ها تأثیرات مثبتی بر اصلاح نگرش‌ها و باورهای افراد درباره انتخاب همسر و ازدواج داشته است همانطور که نتایج نشان داد آموزش پیش از ازدواج، موجب کاهش عشق‌باوری می‌شود. به عبارتی، افرادی که فکر می‌کنند برای ازدواج موفق، عشق کافی است و عاشق یک نفر شدن دلیل کافی برای ازدواج با او خواهد بود، به این نتیجه می‌رسند که این دیدگاه اشتباه است و عشق به تنهایی موجب اختلال در روابط زوج‌ها در آینده و زندگی مشترک خواهد شد. در جوامع امروزه به خصوص جوامع غربی عشق یک معیار اولیه برای ازدواج است و افراد بسیار کمی حاضر هستند بدون عشق ازدواج کنند (سیمپسون و همکاران، ۱۹۸۶)، اگر عشق تنها ملاک لازم در نظر گرفته شود، ملاک‌های مهم دیگر دیده نخواهد شد (لارسون، ۱۹۹۲).

یافته‌ها نشان داد که آموزش پیش از ازدواج باعث تغییر باور تجربه‌محوری پیش از ازدواج می‌گردد. این باور بیان می‌دارد «اگر با همسر آینده‌ام پیش از ازدواج زندگی کنم، می‌توانیم زندگی بهتری در آینده داشته باشیم». پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نشان می‌دهند، کسانی که زندگی مشترک پیش از ازدواج را تجربه کرده‌اند، نسبت به کسانی که این تجربه را نداشته‌اند نارضایتی بیشتری دارند و به احتمال بیشتری اقدام به طلاق می‌کنند (لارسون، ۲۰۰۰). همچنین یافته‌ها نشان داد که آموزش پیش از ازدواج باعث کاهش و تغییر باور ایده‌آل‌نگری در ازدواج می‌شود. در واقع فردی که باور ایده‌آل‌نگری دارد معتقد است «من پیش از ازدواج باید از خود، طرف مقابل و رابطه اطمینان کامل داشته باشم». به عبارت دیگر، اعتقاد به این تفکر که "تا زمانی که فردی کامل برای زندگی پیدا نکنم، نباید ازدواج کنم" کسی که این اعتقاد را داشته باشد شاید برای تصمیم گرفتن برای ازدواج دچار محدودیت شود زیرا هیچ فردی کامل نیست و شاید برای پیدا کردن چنین فردی باید زمانی طولانی صرف شود.

بعلاوه نتایج پژوهش نشان داد که آموزش پیش از ازدواج باعث تغییر در باور آسان‌بینی (این باور که انتخاب همسر باید

(۱۳۹۴) همسو بود. در تبیین چگونگی تأثیر آموزش پیش از ازدواج با رویکرد لارسون بر کاهش نگرش‌های ناکارآمد همسرگزینی جوانان باید اشاره کرد که مهم‌ترین منابع تأثیرگذار بر کاهش نگرش‌های ناکارآمد و الزام‌آور، مولفه‌های شناختی موجود در نظریه لارسون است. بنابراین با توجه به اینکه نگرش‌های ناکارآمد همسرگزینی، بعد شناختی‌گزینش همسر است، این رویکرد از طریق اصلاح و تغییر مولفه‌های شناختی که موجب کاهش عملکرد مفید در زمینه گزینش همسر در افراد می‌شود، می‌تواند موجب تغییرات هیجانی و رفتاری شده و میزان عملکرد مثبت در زمینه منطقی بودن افراد را افزایش دهد که به نوبه خود با افزایش عملکرد مثبت و عقلانی بودن و تغییر شناخت و تفکرات نامعقول، کاهش عقاید ناکارآمد همسرگزینی را به دنبال خود می‌آورد.

این یافته‌ها، نشان‌دهنده تغییرپذیری باورها و نگرش‌ها و قصه‌های عشق^۱ افراد است. استرنبرگ (۱۹۹۸) معتقد است که قصه‌های عشق و باورهای افراد با گذشت زمان دگرگون می‌شوند و انسان‌ها همیشه در حال دستکاری قصه‌های خود هستند و در شرایط گوناگون نگرش‌ها تغییر کرده و بسط و گسترش می‌یابند. به تدریج نگرش‌های تازه جایگزین نگرش‌های قدیمی می‌شوند و به تدریج که انسان در مسیر زندگی با عوامل گوناگون برخورد می‌کند و حتی با ورود افراد جدید به زندگی فرد، فصل‌های تازه‌ای به قصه عشق افراد وارد می‌شود و یا اینکه کاملاً قصه عشق تحول می‌یابد. پس با توجه به موارد ذکر شده، می‌توان بیان کرد که آموزش پیش از ازدواج به عنوان یک عامل تغییر دهنده در نگرش‌ها و باورهای محدودکننده ازدواج در جوانان می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. بر اساس این یافته‌ها می‌توان مدعی آن شد که نگرش‌های افراد یک ساختار خشک و غیر قابل انعطاف ندارد، بلکه از انعطاف و تغییرپذیری برخوردار است و این موضوع می‌تواند در درمان و مشاوره مشکلات عاطفی مورد توجه قرار گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گذشته از اینکه افراد از چه منبعی اصول خود را دریافت کرده‌اند، با آموزش پیش از ازدواج این تعریف آن‌ها از ازدواج تغییر می‌کند.

با توجه به این که افراد قبل از ازدواج بیشتر هیجانی هستند تا منطقی، آموزش‌ها و مشاوره‌ها ی فردی و گروهی به آن‌ها فرصتی برای شفاف‌سازی انتظارات غیرواقع‌بینانه و

انتخاب همسر به انتخاب نادرست و پیامدهای ناشی از آن مانند نارضایتی، درگیری، نزاع، شکست و طلاق منجر می‌شود که این عوارض هم به نوبه خود بهداشت روانی زوجین، فرزندان و سایر خانواده‌های درگیر را به خطر می‌اندازد. لذا ضروری است که اقدامات پیشگیرانه‌ای در این زمینه انجام شود.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به محدود بودن پژوهش به دانشجویان دانشگاه شیراز اشاره کرد که این موجب محدودیت در تعمیم نتایج می‌شود. برای افزایش تعمیم‌پذیری نتایج به پژوهش‌های بیشتری در دانشگاه‌های مختلف نیاز هست. با توجه به اثربخشی آموزش پیش از ازدواج به سازمان‌های مجری برنامه‌های آموزش و پیشگیری در امور خانواده و زوج‌ها پیشنهاد می‌شود بر اساس مدل و برنامه مشخص و سازمان یافته حرکت کنند و از آموزش بدون پشتوانه نظری و پژوهشی اجتناب نمایند. لازمه چنین کاری انجام تحقیقات متعدد در این زمینه است. لذا لازم است جهت‌گیری‌های تحقیقی در این سازمان‌ها و نهادها به سمت امور زوج‌ها و تقویت رابطه آن‌ها و نهایتاً پیشگیری از مشکلات زناشویی و خانوادگی باشد. در مورد ارائه اطلاعات و آموزش‌های مورد نیاز به افراد لازم است که پژوهش‌های دیگری در این زمینه با طرح‌های آموزشی دیگر برگزار شود و سرانجام طرح جامع و مناسب با فرهنگ از آن‌ها استخراج شود و در مراکز مشاوره و روان‌درمانی مورد استفاده قرار گیرد. جهت درک بیشتر باورهای غیر منطقی انتخاب همسر و میزان شیوع و عوامل تأثیرگذار بر این باورها لازم است در اقصای مختلف جامعه پژوهش‌هایی در این زمینه انجام گیرد. پیشنهاد می‌شود این نوع پژوهش‌ها در سنین مختلف و با فرهنگ‌های متفاوت اجرا گردد. همچنین با توجه به اثربخشی آموزش پیش از ازدواج، جزوات و نرم‌افزارهای چند رسانه‌ای توسط نهادهای متولی ازدواج، جهت گسترش این آموزش‌ها تهیه و توزیع گردد. همچنین این آموزش‌ها می‌تواند از طریق ارائه متون مختلف، سمینارها، سخنرانی‌ها، کلاس‌های درس و جلسات آموزش فردی و گروهی و یا در کارگاه‌های آموزشی با حضور زوج‌ها و متخصصان روان‌شناسی و مشاوره ارائه شود. از آنجا که آموزش‌های پیش از ازدواج در مدارس و دانشگاه‌ها ارائه نمی‌گردد، بنابراین ضروری است که افراد پیش از ازدواج آموزش‌هایی در این

ساده باشد و این انتخاب حاصل یک شانس و یا اتفاق است. بنابراین فرد شاید تصور کند که برای انتخاب همسر به جای عمل کردن باید در انتظار یک اتفاق باشد. (و خوش‌باوری، یعنی جای هیچ نگرانی نیست همه چیز به خوبی پیش می‌رود و به راحتی می‌توان یک فرد را پیدا کرد و با او زندگی خوبی را داشت (برای مثال، «من مطمئن هستم که من و اکثر همسالانم یک روز ازدواج خواهیم کرد»، «وقتی که ازدواج کنم، مطمئنم این ازدواج برای همیشه پایدار خواهد بود» و «افراد متعددی در دنیا وجود دارند که من می‌توانم ازدواج و خوشبختی با آن‌ها داشته باشم»، همگی نشان از این باور دارند که نیاز نیست نگران ازدواج و ادامه آن باشم و همه چیز بدون هیچ تلاشی، خوب پیش خواهد رفت.

نتایج پژوهش در خصوص باور متضادجویی تفاوت معناداری بین دو گروه آزمایش و کنترل نشان نداد. در این نگرش شخص اینگونه می‌اندیشد: «من باید با کسی ازدواج کنم که خصوصیات شخصیتی او متضاد با خصوصیات من باشد.» اگرچه تفکر رایج مبنی بر آنکه افراد با خصوصیات کاملاً متفاوت می‌توانند کامل‌کننده ضعف‌ها و قوت‌های یکدیگر باشند، اما عامل‌های پیش‌بینی‌کننده موفقیت در ازدواج نشان می‌دهند که قوی‌ترین عامل خوشبختی، همانندی در ارزش‌ها و خصوصیات شخصی است. در صورتی که این نگرش‌ها و عقاید نادرست و غیرمنطقی افراد تغییر یابند و در جهت صحیح هدایت شوند، شاهد افزایش ازدواج‌های موفق در جامعه خواهیم بود و همچنین با توجه به مشکل‌ساز بودن نگرش‌های نادرست، می‌توان درمانگران، مشاوران و تعلیم‌دهندگان ازدواج را یاری کرد تا به افراد کمک کنند تا برای ازدواج بهتر آماده شوند.

به طور کلی یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزش پیش از ازدواج، باعث انعطاف در دیدگاه‌های افراد نسبت به ازدواج و معیارهای آن می‌شود و افراد بر اثر آموزش به تغییر دیدگاه‌های خود در ازدواج نایل می‌شوند و با نگرش وسیع‌تر و عمیق‌تری به ازدواج می‌نگرند و با وظایف و تکالیف خود در ازدواج آشنا می‌گردند. همچنین ازدواج را یک امر جدی و در عین حال عاطفی تلقی می‌کنند که نیازمند داشتن مهارت‌هایی است که انسان باید قبل از وارد شدن به ازدواج آن‌ها را فرا گیرد. لذا با توجه به نقش و اهمیت نگرش‌ها و باورها در زندگی افراد می‌توان گفت نگرش نادرست نسبت به نحوه

زمینه دریافت کنند، به اندازه‌ای که دانش صحیح کافی منجر به نگرش صحیح و ارتباط موثر شود.

منابع

- استرنبرگ، ر.ج. (۱۹۹۸). *قصه عشق نگرشی تازه به روابط زن و شوهر*. ترجمه بهرامی، ف. ۱۳۸۶. تهران: انتشارات جوانه رشد.
- ثنایی، ب. (۱۳۸۷). *مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: انتشارات بعثت.
- جبرئیلی، ه.، زاده محمدی، ع.، و حیدری، م. (۱۳۹۲). تفاوت ملاک‌های انتخاب همسر بین دو جنس. *خانواده پژوهی*، ۹، ۱۷۱-۱۵۵.
- خجسته‌مهر، ر.، دانیالی، ز.، و شیرالی‌نیا، خ. (۱۳۹۴). تجارب دانشجویان متأهل از آمادگی ازدواج: یک پژوهش کیفی. *مجله روانشناسی خانواده*، ۲، ۵۰-۳۹.
- رستمی، م.، و قزلسفلو، م. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش پیش از ازدواج به شیوه سیمبیس (SYMBIS) بر باورهای ارتباطی زوجین. *مجله روانشناسی خانواده*، ۵، ۵۶-۴۵.
- رشیدی، غ. ر. (۱۳۹۱). بررسی اولویت معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه دانشجویان پسر و دختر دانشگاه رازی. *فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۲، ۱۰۳-۱۲۶.
- رفاهی، ژ.، ثنایی‌ذاکر، ب.، و پاشاشریفی، ح. (۱۳۸۷). *مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج*. انتشارات بعثت.
- رفیعی، ا.، اعتمادی، ع.، بهرامی، ف.، و جزایری، ر. (۱۳۹۴). آمادگی برای ازدواج بر انتظارات زناشویی و بررسی تأثیر آموزش مؤلفه‌های آن در دختران عقدکرده شهر اصفهان. *فصلنامه زن و جامعه*، ۶، ۲۹-۲۱.
- سپهری، ص.، حسن‌زاده توکلی، م. ر. (۱۳۹۰). بررسی پایایی و روایی مقیاس نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۲۸.
- فرامرزی، ع.، اسمعیلی، م. و فرحبخش، ک. (۱۳۸۵). آموزش درک متقابل ماهیت جنسیتی و تغییر نگرش دانشجویان دختر (۱۸-۲۴ ساله) نسبت به نحوه انتخاب همسر. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۵، ۴۶-۳۲.
- کرمی بلداجی، ر.، ثابت‌زاده، م.، زارعی، ا.، و صادقی‌فرد، م. (۱۳۹۳). اثربخشی مشاوره گروهی عقلانی - عاطفی - رفتاری بر کاهش نگرش‌های ناکارآمد انتخاب همسر دختران و پسران شهر بندرعباس. *پژوهش‌های علوم شناختی رفتاری*، ۴، ۱۸۸-۱۷۱.
- هاشمی، س. ض.، فولادیان، م.، و فاطمی امین، ز. (۱۳۹۳). بررسی تجربی دو نظریه‌ی رقیب همسرگزینی در ایران. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۷، ۱۵۷-۱۸۷.

References

- Buss, D. M. (2007). The evolution of human mating. *Acta Psychologica Sinica*, 39(3), 502-512.
- Cobb, N.P., Larson, J.H., & Watson, W.L. (2003). Development of the attitudes about romance and mate selection scale. *Journal of Family Relations*, 53(3), 222-231.
- Hawkins, A. J. (2018). Shifting the relationship education field to prioritize youth relationship education. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 17(3), 165-180. [link].
- Huijnk, M. (2012). Family Influences on Intermarriage Attitudes: A Sibling Analysis in the Netherlands. *Journal of Marriage and Family* 74: 70 – 85
- Larson, J. H. (1988). The marriage quiz: College students' beliefs in selected myths about marriage. *Family Relations*, 37: 3-11.
- Larson, J. H. (2000). *Should We Stay Together? A scientifically proven method for evaluating your relationship and improving its chances for long-term success*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Larson, J. H., & Holman, T. B. (1994). Premarital predictors of marital quality and stability. *Family Relations*, 43, 228-237.
- Larson, J.H. (1992). "you're my one and only": premarital counseling for unrealistic beliefs about mate selection. *American Journal of Family Therapy*, 20, 242-253.
- Myers, N. J. (2008). Black college students' attitudes towards romance and mate selection. Unpublished doctoral dissertation, Widener university, Philadelphia, USA.
- Nilson, E. S. (2013). Expectations for marriage among college students from intact and non-intact homes. *Journal of Divorce and Remarriage*, 26(1), 71-89.
- Olson, D. H., & Olson, A. (1999). *Preventive approaches: couple therapy*. New York: talor, Francis pub.
- Priest, J. (2009). Relationship dissolution and romance and mate selection myths. *Family Science Review*, 14, 48-57.
- Qian, Zhenchao and Daniel T. Lichter. (2018). "Marriage Markets and Intermarriage: Exchange in First Marriages and Remarriages." *Demography* 55:849-75.
- Seaman, C., Bent, R. and Unis, A. (2016). Family entrepreneurship culture, entrepreneurial intent, futures and foresight in Scottish Pakistani communities. *Journal of Futures*;75(13): 83-91.
- Simpson, J. A., Campbell, B., & Berscheid, E. (1986). The association between romantic love and marriage: Kephart (1967) twice revisited. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 12, 363-372.
- Weber, M. & Ruch, W. (2012). "The role of character strengths in adolescent romantic relationships: An initial study on partner selection and mates' life satisfaction". *Journal of Adolescence*. Vol. 35.